

# مبارزات مردم وارد فصل نویی شده است

اصغر کریمی

که سر تا پای حکومت را گرفته است هم در میان مردم آخرین ذره مشروعیتش را زیر سوال برده و هم نیروهایش را بی روحیه و نسبت به آینده حکومت بی اعتماد کرده است. نارضایتی مردمی که در فاصله ۸۸ تا کنون قدرت خرید ناچیزشان باز هم به نصف رسیده است شدیدتر شده و طیف وسیعتری به خط فقر پیوسته و ابعاد نارضایتی گسترش یافته است. بحران مزمن

صفحه ۲

داشتند به زندان افتاده و یا مجبور به ترک کشور شدند. چند سالی زمان لازم بود تا طیف جدیدی خود را برای قرار گرفتن در صف اول مبارزات آماده کنند.

در طول دو دهه گذشته تجربه مبارزاتی مردم بسیار غنی شده است، از نظر سیاسی درک سیاسی مردم بسیار بالا رفته و با حقوق خود آشنائی زیاده‌تری پیدا کرده اند. از طرفی شکاف های حکومت عمیق تر شده و فساد

بعد از سرکوب و شکست خیزش انقلابی مردم در سال ۸۸ زمان لازم بود تا مردم نفسی تازه کنند و خود را برای خیزش بعدی آماده کنند. خیزش ۸۸ به شدت سرکوب شد اما نه حکومت آنقدر قدرت داشت که مانند دهه شصت کشتار هزاران نفره راه بیندازد و مردم را مرعوب کند و برای دوره ای به خانه بفرستد و نه مردم همان مردم دهه شصت بودند. با اینحال هزاران نفر که نقش فعالی در اعتراضات

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۵۹

جمعه ۹ خرداد ۱۳۹۳، ۳۰ مه ۲۰۱۴

### یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

سیل بنیان کن و سد شکسته رژیم

طرح یارانه ها و بدتر شدن وضعیت کم درآمدها!

منشا آلودگیها جمهوری اسلامی است!

حجاب اسلامی مظهر بردگی زن است!

صفحه ۷-۸

به کارگران کارخانه نورد پروفیل ساوه

بازگرداندن نماینده دلسوزتان

شاپور احسانی راد را به خواست

هایتان اضافه کنید

اصغر کریمی

صفحه ۱۰

اطلاعیه درمورد پیوستن هشت نفر از فعالین کمونیسم کارگری به حزب

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۴

به کمک مالی شما نیاز داریم!

کمپین دوماهه برای تامین

۱۰۰ هزار دلار

صفحه ۱۴

## پیرامون کنفرانس بین المللی کارگری در برلین

گفتگو با کاظم نیکخواه و شهلا دانشفر

صفحه ۴

## زلزله در اروپا: چرا ترسناک بود؟!

مصطفی صابر

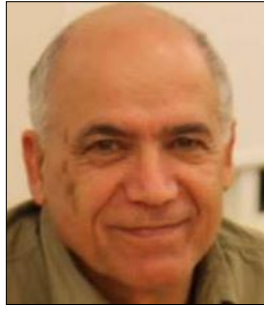
صفحه ۳

## امسال هم صدای اعتراض کارگران ایران در سازمان جهانی کار طنین انداخت

صفحه ۹



## مبارزات مردم وارد فصل نوینی شده است



بطور واقعی رژیم و ارگان های مختلفش را که برای حفظ حجاب به جان مردم انداخته است، به معنای واقعی کلمه ناتوان کرده اند. حکومت تصمیم به اعدام بیشتر میگیرد و مردم با استفاده از همان قانون ضدانسانی قصاص شروع به خنثی کردن اعدام ها میکنند و از «حقی» که به آنها داده شده برای نجات محکومین به اعدام استفاده میکنند و عملاً قانون قصاص را خنثی میکنند. حرکت توده ای مردم روانسر در این زمینه نمونه درخشانی از موج جدیدی از يك مبارزه توده ای علیه اعدام است. رژیم اوباشش را به جان زندانیان سیاسی می اندازد تا در آستانه اول مه جامعه را مرعوب کند اما خانواده ها وسیعتر و محکم تر از همیشه به میدان میایند و وادارش میکنند رئیس سازمان زندانهایش را عوض کند و هیئت تحقیق براه اندازد.

این روحیه در همه عرصه های مبارزه دیده میشود. در مقابله با اعدام، در دفاع از زندانیان سیاسی، مبارزات کارگران برای افزایش دستمزد، مبارزه علیه حجاب، علیه فاجعه محیط زیست، مبارزات جوانان برای رقص و شادی و خلاصی از فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده و دهها عرصه دیگر.

در این مبارزات بلافاصله خواست سرنگونی طرح نشده است اما هیچکس تردیدی ندارد که این مبارزات بخشی از مبارزه برای سرنگونی حکومت است. هیچکس تردیدی ندارد که برای رفع بیحقوقی زن و آزادی پوشش، برای بهبود محیط زیست، برای بهبود اوضاع اقتصادی مردم از جمله دستمزدها، لغو مجازات اعدام و قوانین مجازات اسلامی، آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و سایر خواست های

اقتصادی همچنان ادامه دارد و هیچ دورنمایی برای حل و یا تخفیف ندارد. تسلیم حکومت به «شیطان بزرگ» که نتیجه این اوضاع است، قابل پنهان کردن نیست. مدتی است که خود مقامات مدام از تلاش برای حفظ قدرت صحبت میکنند. اصلاح طلبی تماماً بی آبرو شده و میدانی در میان مردم ندارد. به يك معنا حکومت بحرانی تر و بی افق تر و مردم منسجم تر، پخته تر و مصمم تر رودرروی هم قرار گرفته اند، تغییرات مهمی به زبان حکومت و به نفع مبارزه مردم صورت گرفته است و ناتوانی حکومت بیش از هر زمان برای مردم عیان شده است. مردم هیچگاه حکومت را اینچنین ناتوان و زمینگیر ندیده اند. شکاف های درون حکومت و استیصال آن که منجر به روی کار آمدن روحانی شد، فرجه تازه ای به مردم داده است. در چنین فضائی مردم به پیشروی خود سرعت داده اند و فصل نوینی از مبارزه مردم شروع شده است.

این تغییرات، تحول در شیوه های مبارزه را الزامی کرده است. مردم به تاکتیک های جدیدی روی آورده و عرصه های تازه ای را به میدان نبرد تبدیل کرده اند. از تاکتیک هائی استفاده میکنند که سرکوبش دشوارتر است و این امکان میدهد توده وسیعتری پا به میدان مبارزه بگذارند.

گروهی از جوانان به جرم رقص و اجرای يك آهنگ دستگیر میشوند و روحانی مجبور میشود بگوید شادی حق مردم است و حرکت وسیعتری برای نشان دادن شادی شروع میشود. به جرم بی حجابی زنان را تحت فشار قرار میدهند و مقام بالای حکومت میگوید به زور شلاق نمیتوان مردم را به بهشت برد. زنان این شکافها را میبینند و

مبارزات دمکراتیک باشند لزومی به دخالت فعال در آنها نیست. یا بعضاً آنها را حقوق بشری، اصلاح طلبانه! و حتی ارتجاعی میخوانند و بجای حضور فعال برای رادیکال کردن و سازماندهی و گسترش این مبارزات مشغول فول گرفتن از آنها هستند و نتیجتاً بجای تقویت این مبارزات به نقد آنها مشغول میشوند و یا در بهترین حالت آنها را حق طلبانه میدانند اما مشغول تفسیر و ریشه یابی آنها هستند و خود را از هر نوع دخالت عملی در آنها معاف میکنند. اعلام موضع تمام نقشی است که این بخش چپ برای خود قائل است. مبارزه وسیعی علیه اعدام جریان دارد. آنرا به خود مربوط نمیدانند.

مبارزه وسیعی علیه حجاب در جریان است اما بخود مربوط نمیدانند. جوانان به اشکال مختلف و از جمله با رقص و موزیک و غیره به حکومت دهن کجی میکنند و در مقابل آن میایستند اما اینها سرسوزنی وظیفه مقابل این چپ نمیگذارد. جنبش وسیعی علیه مذهب در اعماق جامعه جریان دارد اما اینها هیچکدام این چپ را تکان نمیدهد. انواع و اقسام توجیحات هم برای این بی تفاوتی و بی نقشی عنوان میشود. عملاً و نظراً این مبارزات به کارگر نامربوط اعلام میشود. کارگر موجودی غیر اجتماعی تصویر میشود که در کارخانه مشغول تولید ارزش اضافه است و سایر بیحقوقی ها به او مربوط نیست. کمپین نجات ریحانه نمونه بسیار آشکاری از رفتار لاقیدانه این بخش چپ را نشان میدهد.

حرکت وسیعی حول دستمزد دو میلیون تومان در جریان است و دهها هزار کارگر توماری با خواست افزایش دستمزد امضا کرده اند اما این نوع مبارزه هم برای این چپ غریبه و نامربوط است! بعضاً دلایل ظریفتری برای بی عملی خود از جمله آکسیونیسیم و یا مرزبندی با فعالیت های حقوق بشری مطرح میکنند. برخورد لاقیدانه به این مبارزات باعث شده که تحول مهمی را که در جامعه در حال

وقوع است نبیند و به مبارزات مردم نامربوط تر و حاشیه ای تر شود.

## دورنمای اعتراضات توده ای

با توجه به تعمیق بحران اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی، بحران رابطه با غرب، شکاف های رو به رشد درون حکومت و جلو آمدن طیف وسیعی از بخش پیشرو جامعه، اعم از کارگران و جوانان و زنان و ... جامعه دارد وارد فاز تازه ای از اعتراض میشود. جامعه در همین پله نیمبند و با توجه به فاکتورهائی که گفته شد، تحولی کیفی در اعتراضات توده ای در راه است. فعالین و گروهها و محافل چپ دیر یا زود باید با دیدگاههای سنتی خود مرزبندی کنند و تجربه سیاسی و رادیکالیسم خود را برای تقویت این مبارزات و قرار گرفتن در صف اول آن بکار اندازند. اگر در روانسر مبارزه ای توده ای علیه اعدام صورت میگیرد معنی اش وجود طیفی از بخش پیشرو در این شهر است که آمادگی دارد در مبارزه علیه اعدام سازمان یابد. اگر توده بسیار وسیعی از زنان و بویژه دختران جوان حجاب ها را کنار میزنند به این معنی است که بسیاری از آنها برای سازمان یافتن و متشکل شدن در این عرصه آمادگی دارند. اگر فضای سرنگونی همه جا را گرفته است معنی اش این است که طیف وسیعی از مردم چشمشان به اپوزیسیون دوخته است و آمادگی دارند به احزاب سیاسی پیوندند و گرد احزاب سیاسی سرنگونی طلب گرد آیند. هزاران جوان آماده اند برای خلاصی خود سازمان یافته تر دست به فعالیت بزنند. هزاران کارگر در مراکز مختلف کارگری که علیه اجحافات و دستمزدهای نازل و غیره دست به اعتصاب و اعتراض میزنند و میدانند که بدون سرنگونی حکومت راه به جایی نمیرند آمادگی متشکل شدن در ظرف های مختلف را دارند. و در شرایط کنونی این

## زلزله در اروپا: چرا ترسناک بود؟!

مصطفی صابر



تغییرات رادیکال و پایدار در اوضاع تبدیل کند فعلا وجود ندارد. این همان نکته ای است که سر و صداها حول زلزله کذایی را توضیح میدهد. بعبارت دیگر آنچه که به چنین مانورهای تبلیغاتی و روانی از سوی میدیا و سیاستمداران بورژوازی زمین و مطلوبیت میدهد فقدان جریان

سیاسی رادیکال و کارگری ذینفوذ و توده ای در بستر اصلی سیاست است که خواسته ها و تمایلات واقعی مردم را نمایندگی کند. در نتیجه امیدوارند با اینگونه تبلیغات مردم را در برابر انتخاب بین بد و بدتر (احزاب سنتی و متعارف در مقابل احزاب ناسیونالیستی و افراطی بورژوازی) قرار میدهند. تا طبق معمول مردم بد را انتخاب کنند.

نکته ترسناک دقیقا در همینجاست. در پس این "زلزله در اروپا" از یکسو میتوان دید که مردم معترض و به جان آمده از وضع موجود انتخاب سیاسی مناسب و دلخواهی ندارند و "رای اعتراضی" آنها به کیسه بورژوازی میروند، و از سوی دیگر میتوان دید که بورژوازی در صدد است تا در اساس همان سیاست های قبلی یعنی ریاضت کشی اقتصادی و حمله به دار و ندار بشریت در جستجوی سود را ادامه دهد. سیاست ها و جهت گیری که به نتیجه ای بهتر از بحران هایی نظیر ۲۰۰۸ منجر نخواهد شد. لذا دشوار نیست که اینها هم دید که "زلزله" اخیر در اروپا تنها میتواند پیش لریزه ای بر تکان های زیرورو کننده و تخاصمات و کشاکش های بسیار پرمده امی باشد.

تنها چیزی که میتواند این چشم انداز تیره و تهدید آمیز را تغییر دهد به میدان آمدن جنبش سیاسی انقلابی و کارگری است که شهروندان کل اروپا را علیه بورژوازی و سرمایه داری و برای بدست گرفتن تمام امور زندگی اجتماعی متحد کند. این نه فقط اروپا را نجات خواهد داد که سرآغازی برای رهایی کل بشریت خواهد بود.

۲۸ مه ۲۰۱۴

هایی که بر استثمار وحشیانه سرمایه لگام زند و یا در جهت الغای آن گام بردارد از مسیر انترناسیونالیسم و اتحاد هرچه وسیعتر کارگران و مردم جهان و در این مورد بویژه اتحاد هرچه وسیعتر کارگران اروپا برای مقابله با وضع موجود میگذرد. سیاست های ناسیونالیستی از یکسو در خدمت تفرقه بین کارگران و مردم اروپا و تضعیف مبارزه متحد آنها، و از سوی دیگر در خدمت مقبولیت دادن به احزاب سنتی و متعارف بورژوازی است که از بقای اتحادیه اروپا حمایت میکنند.

و بالاخره در مورد سوم، یعنی تضعیف احزاب سنتی بورژوازی در جریان انتخابات اخیر پارلمان اروپا، نکته جالب توجه این است که اغلب آنهايي که در مورد "زلزله" اخیر سخنرانی و قلمفرسایی میکنند در عین حال در مورد گذرا و ناپایدار بودن رای احزاب افراطی راست صحبت میکنند. آنها بخوبی میدانند که رای اخیر در انتخابات پارلمان اروپا قبل از آنکه حقیقتا رای به راسیسم و ناسیونالیسم باشد، رای منفی دادن به احزاب سنتی و بر سرکار بورژوازی است. به اصطلاح خودشان این "یک رای اعتراضی" است. اما نمایندگان احزاب متعارف بورژوازی خیالشان راحت است که خواهند توانست با برخی اصلاحات محدود و ظاهری و بخصوص تغییر در نحوه رفتار و وجنات خود، دوباره رای مردم را به دست آورند. آنها میدانند که این رای اعتراضی به جایی نمی رسد چرا که در صحنه سیاست اروپا نیرویی چپ، رادیکال و انقلابی، در عین حال پا رو زمین و معقول که نفوذ کافی داشته باشد و این نارضایتی وسیع را به قدرتی برای

بر بحران اقتصادی و حمله به معیشت مردم، سیاست های رسمی و ضد پناهندگی خود دولتهای فخریه اروپایی طی ۳۰ سال گذشته است. ثانیاً چه تاریخا و چه اکنون، پشت سر به میدان آمدن احزاب اولترا راست بخش هایی از بورژوازی (بعضا حتی بخش هایی از دولت های موجود، مثلا پلیس و ارتش) قرار دارند که میکوشند نارضایتی مردم از وضع موجود را به سمت تعصبات کور و عقب مانده هل بدهند تا آنرا مهار کنند. نه فقط بطور مستقیم و با به کجراه کشاندن اعتراض و نارضایتی آنها، بلکه همچنین با ترساندن و مرعوب کردن باقی مردم و در نتیجه توجیه کردن ضمنی ادامه وضع موجود. میخواهند بگویند نتیجه عدول از سیاست های تاکتونی رسمی بورژوازی و قبول نکردن وضع موجود شما را به دامان فاشیسم و ناسیونالیسم افراطی و ارتجاع و بدبختی های بیشتر خواهد انداخت. میخواهند مردم را به مرگ تهدید فاشیسم و سقوط در قهقرای تعصبات بگیرند تا به تب همین ریاضت کشی و سیاست های تاکتونی بورژوازی راضی کنند.

شبهه این معادله کم و بیش در مورد دوم، یعنی زیر سوال رفتن اتحادیه اروپا و برگشت به سیاست های اقتصادی ناسیونالیستی انزواطلبانه ای که از سوی احزاب ناسیونالیستی افراطی (چه راست و چه چپ) ارائه میشود، صادق است. واضح است که وضع اقتصادی مردم با اعمال سیاست های ناسیونالیستی و حفاظت گرایانه بخصوص در این عصر دهکده جهانی بهتر که نه، بسیار بدتر هم خواهد شد. راه بهبود اوضاع مردم و اعمال اقدامات و سیاست

سال گذشته از لندن، بارسلونا، نیویورک و ریودوژانیرو گرفته تا قاهره، تونس، تهران، تل آویو، استانبول و غیره اعتراض کردند، تظاهرات کردند، میدان تسخیر کردند، کشته دادند، باریکاد برپا کردند، مصادره کردند، نه گفتند و دست به انقلاب زدند، حل نشده که وضع حتی بدتر هم شده است. بعبارت دیگر مساله اصلی این است که ۹۹ درصد های جهان اکنون موقعیت خود را حتی آسیب پذیر تر از چند سال قبل می یابند و می بینند که روز بروز حرص سود و طمع بورژوازی تمام جوانب زندگی را نابود میکند بحدی که حتی نفس کشیدن بر این کره خاکی مشکل تر میشود. این ۹۹ درصدی ها که متاسفانه فاقد سازمان و تشکل و نماینده سیاسی رادیکال و افق دار و متشکل هستند، از هر فرصتی برای اعتراض علیه این وضع استفاده میکنند. زلزله اخیر در انتخابات پارلمان اروپا را قبل از هرچیز در این چهارچوب باید دید.

بطور مشخص، آنچه که در مرکز اظهار نگرانی های میدیا و سیاستمداران از "زلزله" اخیر اروپا می شنویم عمدتا سه موضوع است: "قدرت گیری راست افراطی" (و البته بعضا "چپ افراطی" - مورد یونان)، تضعیف احزاب سنتی بورژوازی و دست بالا گرفتن سیاست های ناسیونالیستی و ابهام در آینده اتحادیه اروپا. اینها البته همه به واقعاتی بعضا نگران کننده و جدی اشاره دارد. برای مثال، تردیدی نیست که احزاب متمایل به راسیسم و فاشیسم (چه آشکار و چه پنهان) در سالهای اخیر در اروپا رشد کرده اند و با هر معیار که نگاه کنیم این يك عقبگرد است. اما اولاً یکی از زمینه های بلافاصل این عقبگرد، علاوه

انتخابات اخیر پارلمان اروپا و رای پایین احزاب سنتی بورژوازی را بسیاری رسانه ها و سیاستمداران "زلزله در اروپا" خواندند. ما بر سر اهمیت این واقعه مجادله نمی کنیم. اما در تفسیر آن چرا: این تنها يك پس لریزه بود. یا اگر مایل باشید تنها پیش لریزه ای بود که از وقایع زیر و رو کننده آینده خیر میدهد. زلزله واقعی بدنبال بحران اقتصادی جهانی ۲۰۰۸ (که هنوز دست از سر اروپا بر نداشته) و در انقلابات و جنبش های عظیمی که پس از آن شکل گرفت، رخ داد. "زلزله" اخیر در اروپا تنها پس لریزه ای از آن بود. اما از آنجا که گسل آن زلزله جهانی پابرجا و فعال است، وقایع اخیری که در انتخابات پارلمان اروپا خود را نشان داد در عین حال تنها میتواند مقدمه یا پیش درآمدی بر زلزله های عظیمی باشد که وقوع آن اجتناب ناپذیر بنظر میرسد و به اروپا نیز محدود نخواهد بود.

در اظهار نگرانی ها و احساس شوکه شدن غلیظ مفسرین بورژوازی از نتایج انتخابات اخیر پارلمان اروپا درجه ای از تصنع و خودفریبی نهفته است که هدف آن پنهان کردن مساله اصلی است. یعنی این مساله که جهان کماکان و پیش از پیش در چنبره سیاستهای "ریاضت کشی" و تحت استیلای بانکها و بنگاههای عظیم سرمایه داری و دولتهای پلیسی يك درصدی ها است که هر روز اخبار جدیدی از فعال مایشائاتی شان فاش میشود. اتحادیه اروپا و سیاستها و دولتهای آن تنها گوشه ای از این وضع افشاح و غیر قابل دوام جهانی است. و اینکه تقریبا هیچ مساله ی آن توده های میلیونی که زلزله اصلی را پدید آوردند وطی چند



## پیرامون کنفرانس بین المللی کارگری در برلین

گفتگو با کاظم نیکخواه و شهلا دانشفر

روزهای ۲۳ تا ۲۵ مه برابر ۳ تا ۵ خرداد یک کنفرانس کارگری در شهر برلین در آلمان برگزار شد و هیاتی مرکب از کاظم نیکخواه، شهلا دانشفر، اسماعیل هدفمند، فرزانه درخشان و یوران گوستاوسون از کمیته همبستگی بین المللی کارگری و کمپین برای آزادی کارگران زندانی در این کنفرانس شرکت داشتند. در رابطه با این کنفرانس، اهمیت شرکت در آن، فعالیت های کمپین برای آزادی کارگران زندانی در این کنفرانس و دستاوردهایش برای این کمپین و کنفرانس ها و اجلاس های دیگری که در حول و حوش این کنفرانس برپا شد و فعالیت های کمیته همبستگی بین المللی کارگری در آنها با کاظم نیکخواه و شهلا دانشفر میزگردی داریم.

*انترناسیونال:* کاظم نیکخواه، لیبر استارت برگزار کننده کنفرانس کارگری برلین بود. اگر ممکن است معرفی ای کوتاه از این نهاد، کار آن و دستور جلسه و برنامه کاری این کنفرانس معین توضیح دهید.

*کاظم نیکخواه:* لیبر استارت (LabourStart) یک سایت خبری و کمپینی بسیار با نفوذ در میان کارگران و اتحادیه هاست. بیش از ۷۰۰ اتحادیه در سراسر جهان با دهها میلیون عضو، به این سایت وصل هستند و کمپین ها و اخبارش را با زتاب میدهند. سایت لیبر استارت به ۲۷ زبان در دسترس است. این نهاد برنامه های تلویزیونی اینترنتی هم الان ایجاد کرده و کلا در عرض ده سال گذشته به سرعت به یک پل ارتباطی مهم میان کارگران و فعالین اتحادیه ها در دنیا تبدیل شده است. لیبر استارت در سال ۱۹۹۸ تاسیس شده و الان هر سال کنفرانسهای همبستگی کارگری را در

کشورهای مختلف برگزار میکنند. کنفرانس برلین که امسال ما برای اول بار در آن شرکت داشتیم بزرگترین کنفرانس این نهاد بود و بنا به گزارش گردانندگان کنفرانس بیش از ۷۰۰ نفر برای شرکت در آن ثبت نام کرده بودند و بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از رهبران و اکتیویست های کارگری و اتحادیه ای از گوشه و کنار دنیا در آن شرکت داشتند. کلا کنفرانسهای لیبر استارت بنام کنفرانسهای همبستگی بین المللی شناخته میشود. و تم و موضوع اصلی کنفرانس برلین نیز "بحران جهانی - همبستگی جهانی" بود و سخنرانان با گرایشهای مختلف و از کشورهای مختلف از جمله کانادا، بنگلادش، ترکیه، آمریکا، کره جنوبی، آفریقای جنوبی، در مورد مسائل و مشقات کارگران در این کشورها سخن گفتند و بر همبستگی بین المللی کارگران تاکید میکردند. شرکت کنندگان هم امکان بحث و اظهار نظر داشتند و همین به ما هم امکان داد که با سخنرانان های کوتاهی در مورد مسائل بین المللی کارگران و مسائل کارگران ایران نکاتی را طرح کنیم که خوشبختانه بسیار مورد توجه قرار گرفت و هرکس که در کنفرانس بود صدای کارگران ایران را بوضوح میشنید و توجهش را جلب میکرد.

*انترناسیونال:* شهلا دانشفر شما بعنوان هماهنگ کننده کمیته همبستگی بین المللی کارگری و "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" هدف و برنامه تان از شرکت در این کنفرانس چه بود؟

*شهلا دانشفر:* همان طور که اشاره شد این کنفرانس از سوی یک سایت پرنفوذ خبری - کمپینی کارگری برگزار شده بود و

طبیعی است که ما بعنوان کمیته همبستگی بین المللی کارگری و کمپین برای آزادی کارگران زندانی از این فرصت بیشترین استفاده را بکنیم و هم صدای اعتراض کارگران زندانی و کارگران و مردم ایران علیه رژیم اسلامی باشیم و هم ارتباط بین المللی خود با فعالین و اکتیویست های کارگری کشورهای مختلف که در آنجا حضور داشتند محکم کنیم. برای این کار ما یک میز اطلاعاتی داشتیم که سازماندهندگان آن فرزانه درخشان و اسماعیل هدفمند بودند. در این میز پلاکاردی با لوگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی که بر روی آن نوشته شده بود، کارگران زندانی باید آزاد شوند نصب شده بود. بعلاوه عکس هایی از کارگران زندانی از جمله جعفر عظیم زاده، بهنام ابراهیم زاده، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، یوسف آب خرابات، محمد مولانایی، واحد سیده، رضا شهابی، رسول بداعی، عبدالرضا قنبری و خلاصه تک تک کارگران زندانی نصب شده بود که توجه های را بخود جلب میکردند. همچنین اطلاعیه های ما که در آن شرح حال مختصری از کارگران زندانی آمده بود به همراه قطعنامه کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پتی شنی برای امضا و اعلام حمایت از سوی شرکت کنندگان در کنفرانس بر روی میز گذاشته شده بود. بسیاری از شرکت کنندگان در کنفرانس به این میز مراجعه کردند. پتیشن ما را امضا کردند و با نوشتن آدرس تماس خود، خواستار ارتباط با ما شدند. قطعنامه کمپین برای آزادی کارگران زندانی که در این کنفرانس وسیعا پخش شد، اهداف سیاسی ما را به روشنی بیان میکرد. ما در این

قطعنامه بر روی سه خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، حمایت و پشتیبانی از مبارزات کارگران و مردم ایران و اخراج رژیم اسلامی از همه مراجع بین المللی از جمله سازمان جهانی کار تاکید کرده ایم. ما در این کنفرانس با شرکت در مباحث کنفرانس توانستیم توجه ها را به وضعیت کارگران در ایران و مبارزات کارگران و مردم ایران جلب کنیم. ما با گذاشتن ورکشاپی که از قبل درخواست آنرا کرده بودیم توانستیم در جمع کوچکتری با دقت از وضعیت کارگران ایران و مبارزاتشان و از وضعیت کارگران زندانی و اهمیت حمایت و پشتیبانی از کارگران زندانی و مبارزات کارگران در ایران صحت کنیم. بدین ترتیب میخوام بگویم که ما از فرصت سه روز کنفرانس لیبر استارت توانستیم بهترین استفاده را به نفع کارگران ایران بکنیم و ارتباطات خوبی با فعالین کارگری از کشورهای چون ترکیه، تونس، روسیه، اکراین، اسرائیل پیدا کنیم و با آنها قرار و مدارهای لازم برای برگزاری کنفرانس های آتی و تقویت همبستگی بین المللی کارگری و مشخصا در سطح خاورمیانه را بگذاریم. به نظر من کار ما موفق بود.

*انترناسیونال:* در روز اول کنفرانس در مبحث مربوط به همبستگی جهانی کارگری شما صحبت هایی رو به کنفرانس داشتید، مشخصا بحث شما چه بود؟

*کاظم نیکخواه:* همانطور که گفته شد موضوع بحث همبستگی بین المللی کارگران بود. من حرفم به طور خلاصه این بود که روند اتحاد و همبستگی

بین المللی کارگری کند پیش میرود و عزم و اراده کافی برای متحد شدن مشاهده نمیشود. گفتم سرمایه داران و دولتهایشان متحد هستند و همه جا دارند به کارگران تعرض میکنند. اما ما کارگران ارتباطات و حمایت های بین المللی مان کافی نیست. به اندازه کافی مثل یک تن واحد عمل نمیکنیم. کارگران را به زندگی زیر خط فقر محکوم کرده اند، در محیط های کار کارگران را قربانی میکنند، و زجر و عذاب را به این طبقه تحمیل کرده اند. اما روند متحد شدن و همبستگی بین المللی ما به اندازه کافی سریع نیست. به اندازه کافی عمیق نیست. به اندازه کافی رادیکال نیست. ما طبقه ای جهانی هستیم اما در حصار کشورها و سنتها زندانی شده ایم. و نتیجه گیری کردم که بنظر میرسد که خود همبستگی بین المللی هم دچار بحران است. ما به انقلابی در این روند نیاز داریم. در این متن اشاره کردم به وضعیت کارگران ایران که نه حق تشکل دارند و نه حق اعتصاب و به زندگی زیر خط فقر محکوم شده اند. و گرچه حمایت های بین المللی وجود دارد اما کافی نیست.

بهرحال اینها نکات من بود که خوشبختانه مورد توجه شرکت کنندگان قرار گرفت و هم سخنرانان به آن اشاره کردند و هم بعد از پایان جلسه چندین نفر از کشورهای مختلف مراجعه کردند و نکات ما را تایید میکردند و خواهان ارتباط بودند.

*انترناسیونال:* در روز دوم کنفرانس شما و کاظم نیکخواه نیز در فرصتی صحبت هایی داشتید، بحث و فراخوان شما به این کنفرانس چه بود؟

از صفحه ۴

## پیرامون کنفرانس بین المللی کارگری در برلین

شهبلا دانشفر: صحبت های من بعد از بحث های کاظم نیکخواه بود و من در سخنان خود ضمن معرفی کمپین برای آزادی کارگران زندانی، خواستار پیوستن کنفرانس و حمایت آنها از این کارزار و کارگران زندانی شدم و با اشاره به سئوالی که کاظم نیکخواه در سخنانش طرح کرده بود، گفتم: "من هم میخواهم همان سئوالاتی را طرح کنم که کاظم نیکخواه طرح کرد.

برای اینکه من هم در ارتباط با کارگران ایران هستم و از وضعیت کارگران در ایران خبر دارم. هر کدام از سخنرانان که صحبت کردند بر همبستگی و اتحاد تاکید کردند. ما در اینجا در مورد کارگران آفریقای جنوبی، قطر، ترکیه، بنگلادش و غیره شنیدیم. من قویا اعلام همبستگی میکنم با کارگران سوما در ترکیه، با کارگران بنگلادش و با کارگران در سراسر جهان. اما فکر میکنم وضعیت کارگران در ایران نیز یکی از بدترین موقعیت هاست. همانطور که همکار من گفت همین الان فعالین کارگری در ایران در زندانند. و ما به کمپینی برای آزادی کارگران زندانی فراخوان داده ایم. من همه شما، همه کسانی که اینجا هستند را فرا میخوانم که به این کمپین بپیوندید.

کاظم نیکخواه نیز در سخنانی گفت: "وقتی شما در مورد آفریقای جنوبی، بنگلادش، مکزیک و سراسر جهان صحبت میکردید من داشتم فکر میکردم و مقایسه میکردم که موقعیت کارگران در ایران با کارگران در آفریقای جنوبی، بنگلادش و امثال این کشورها، چه تفاوتهایی دارد؟ از خودم میپرسیدم که موقعیت کدامیک از اینها بدتر است؟ پاسخ به این سوال را من دقیقا نمیدانم. اما یک جنبه هست که برایم روشن است. ببینید ما از کمیته

افزایش دستمزدها تلاش کرده اند. برای برگزاری اول مه تلاش کرده اند و غیره. از این نظر تردیدی ندارم که وضعیت کارگران در ایران از کارگران خیلی کشورهای دیگر بدتر است. ما اگر ما از همبستگی جهانی میان کارگران اتحادیه ها صحبت میکنیم باید در مورد آن بخش از کارگران جهان که در کشورهایی مثل ایران زندگی میکنند نیز فکر کنیم. آنها حق تشکیل ندارند. آنها حق اعتصاب ندارند. حق بیان ندارند. شما برای آنها چه میتوانید بکنید؟ کارگران از بسیاری از کشورهای جهان اینجا

ویران گوستاوسون از همکاران ما در "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" و خود من بودیم. من ابتدا بحثی داشتم که در مورد مبارزات کارگران در ایران بود. نکته اصلی من این بود که نشان دهم که کارگران قربانیان ساکت و خاموش جمهوری اسلامی نیستند. بلکه ایران جامعه ای ملتهد است و کارگران هرروز دارند بطور مداوم از زندگی خود در برابر تعرضات حکومت و کارفرمایان دفاع میکنند و دست به اعتصاب و تجمع و مبارزه و طومار نویسی و راهپیمایی میزنند. حتی از درون زندانها پیام اتحاد به سایر



هستند. اما کارگران برخی کشورها چون ایران، قطر و عربستان سعودی، از این حق محروم شده اند. چون حق تشکیل ندارند که از حقوقشان دفاع کنند. خود جمهوری اسلامی میگوید که سال گذشته بیشتر از هزار کارگر در اثر عدم ایمنی محیط کار کشته شده اند. آمار واقعی چندین بار بیشتر است. چندین بار!... دوستان عزیز! ما باید کاری بکنیم. ممنون"

انترناسیونال: در این کنفرانس شما گرداننده یک "ورك شاپ" بودید. موضوعات مورد بحث در این کارگاه چه بود؟

کاظم نیکخواه: بله به ما یک ورک شاپ در روز دوم داده شده بود. که من آنرا اداره میکردم و سخنرانان شهبلا دانشفر

در مورد اهمیت این حمایت و پشتیبانی و نحوه آن توضیح داد.

بحثهای خوبی در این ورک شاپ شد که جالب بود. قابل توجه این بود که بحثها خیلی سیاسی بود. شرکت کنندگان می پرسیدند فضای جامعه در رابطه با جمهوری اسلامی چگونه است، بعد از خیزش سال ۸۸ فضا به کدام سمت رفته است، تاثیر روی کار آمدن روحانی چه بوده است، احزاب اپوزیسیون چه میکنند و امثال اینها و ما توضیحات خود را دادیم. در آخر هم بیشتر شرکت کنندگان عکسهای کارگران زندانی را به دست گرفتند و عکس گرفتند و با این کار پشتیبانی خود را از کارگران زندانی در ایران نشان دادند.

انترناسیونال: شما از سخنرانان این ورک شاپ بودید. بحث های شما در آنجا چه بود؟

شهبلا دانشفر: من در این ورک شاپ در مورد وضعیت کارگران زندانی در ایران صحبت کردم. با نشان دادن تصاویر کارگران زندانی مختصری در مورد اینکه چرا این کارگران در زندانند و چگونه رژیم اسلامی با دستگیری کارگران سعی میکند مبارزات کارگران و کل جامعه را عقب بزند سخن گفتم. از جمله در مورد جعفر عظیم زاده بعنوان هماهنگ کننده طومار ۴۰ هزار

امضا و رهبر اتحادیه آزاد صحبت کردم و اینکه برای انحلال این تشکل که مبتکر کمپین برای خواست افزایش دستمزدها بوده و سرپناهی برای کارگران است صحبت کردم. از وضعیت بهنام ابراهیم زاده بعنوان یک فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودکان است که به ۵ سال زندان محکوم شده و هم اکنون در بند انفرادی ۲۰۹ بازداشت است و بیخبری از وی همه ما را نگران کرده است و اینکه او حتی امکان دیدار فرزند بیمارش را ندارد صحبت کردم. همچنین با اشاره به وضعیت دیگر کارگران زندانی اشاره ای هم به وضعیت بد جسمانی رضا شهابی در زندان

## پیرامون کنفرانس بین المللی کارگری در برلین



داشتیم. در آخر نیز قطعنامه کمپین برای آزادی کارگران زندانی و خواستهایی که در آن آمده را برای جمع خواندم و خواهان حمایت آنان از خواستهایمان شدم. در بخش سوال و جوابها نیز تلاش کردم به بخشی از سوالات جمع پاسخی بدهم. در آخر شرکت کنندگان در این ورک شاپ با عکس گرفتن با تصاویر کارگران زندانی همبستگی خود را با این کارگران نشان دادند.

*انترناسیونال: ارزیابی شما از این کنفرانس چه بود؟*

**کاظم نیکخواه:** راستش کنفرانسهای اتحادیه ای و کارگری بزرگی هر سال در گوشه و کنار دنیا برگزار میشود. و اینهم یکی از کنفرانسهای بین المللی و یکی از مهمترینهایش بود. و اهمیت خاص خود را برای کارگران دارد. خیلی ها را به هم وصل میکند و این مهم است. اما دقیقاً نمیدانم تا چه حد تحولی در کار رهبران اتحادیه ای ایجاد خواهد کرد که در عصر ارتباطات بین المللی و بحران جهانی، طور دیگری کار کنند و به روند متحد شدن در سطح بین المللی شتاب بیشتری بدهند و نحوه کار خود را عوض کنند. به دلیل محدودیت چارچوبه های اتحادیه ای که اسیر بوروکراسی و رفرمیسم هستند شخصاً زیاد به این جنبه خوش بین نیستم. برای خود ما شرکت در این کنفرانس بویژه مهم بود زیرا توانستیم در عرض دو سه روز کاری را که

کما بیش با چنین دستاوردهایی بازگشته اند.

*انترناسیونال:* همزمان با این کنفرانس، کنفرانس ها و اجلاس های دیگر نیز در جریان بود، در رابطه با این نشست ها، از دخالتگری ها و فعالیت هایی که شما به عنوان کمیته همبستگی بین المللی کارگری و کمپین برای آزادی کارگران ایران داشتید، توضیح مختصری بدهید.

**شهلا دانشفر:** بله در فاصله ۱۸ تا ۲۳ مه سومین کنگره آی تی یو سی (کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری) در همان شهر برلین در جریان بود که یوران گوستاوسن از همکاران کمپین برای آزادی کارگران زندانی، عکس های کارگران زندانی، قطعنامه و اطلاعیه های این کمپین را به آنجا برد و در میان شرکت کنندگان پخش کرد. در آخر نیز دبیر کل آی تی یو سی، معاون وی و یکی از مسئولان عفو بین الملل بعد از شنیدن صحبت های یوران گوستاوسن از وضعیت کارگران زندانی در ایران با گرفتن با تصاویر کارگران زندانی، حمایت و پشتیبانی خود را از این کارگران اعلام داشتند. در هفته قبل از آن نیز بدنبال تلاش های ارسال ناظری از همکاران کمپین برای آزادی کارگران زندانی، در حمایت از کارگران زندانی و مبارزات کارگران در ایران قطعنامه ای از سوی اتحادیه سراسری کارگران تولیدی در استرالیا، به کنفرانس بزرگترین کنفدراسیون اتحادیه های کارگران صنعتی جهان در مصر و تونس و عراق و اسرائیل و همچنین فعالینی از سوئد و فرانسه، در سوئد برگزار کنیم. با اوکراین و آلمان و بنگلادش هم تماس برقرار کردیم.

وقتی همه اینها را کنار هم بگذاریم یعنی بردن صدای کارگران ایران به میان کارگزاران از کشورهای متعدد، و همچنین ارتباط مستقیم برقرار کردن با رهبرانی از کشورهای متعدد، بخودی خود گوشه ای از اهمیت عظیم این نوع کنفرانسها را نشان میدهد. حتماً هرکدام از شرکت کنندگان دیگر کشورها هم

(آی ال او) برگزار شد. که مثل هر سال هیات ما مرکب از نسان نودینیان، سیامک زارع، جمیله میرکی، ناصر کشکولی، پاسکال دکامب، به آنجا رفتند و با پخش اطلاعیه ها و قطعنامه کمیته همبستگی بین المللی کارگری و با گرفتن تصاویر کارگران زندانی در دست و از جمله عکس جعفر عظیم زاده، صدای اعتراض کارگران در این اجلاس و در میان شرکت کنندگان آن بودند. امسال نسان نودینیان و سیامک زارع توانستند وارد ساختمان اجلاس آی ال او شوند و با برافراشتن پلاکاردی که بر روی آن نوشته شده بود، رژیم اسلامی باید از آی ال او اخراج شود، صدای اعتراض کارگران در ایران را در اعتراض به

از صفحه ۶

## مبارزات مردم وارد فصل نوینی شده است

روند رو به رشد است که باید توجه هر کمونیست و آزادیخواهی را به خود جلب کند. تا جایی که به حزب کمونیست کارگری مربوط میشود شرایط جدید را درک میکند و بر اهمیت این مبارزات بخوبی واقف است و بطریق مختلف تلاش میکند آنها را تقویت و رادیکال تر کند. این جهتگیری حزب از سالها قبل بوده و خود در این مسیر فعالیت کرده و در فضای کنونی سهمیم بوده است. گرایشات راست و اصلاح طلبانه را افشا میکند و تلاش میکند پرچم روشنی به فعالین این مبارزات بدهد. حزب و فعالینش در عرصه های متعددی مشغول دخالتگری و فعالیتند و هر جا حضور دارند تلاش میکنند نقش خود را در ارتقای این مبارزات ایفا کنند. مبارزات وسیع کارگران، زنان و جوانان در یک دهه اخیر تجاری غنی ایجاد کرده و نسلی از فعالین پیشرو در همه این عرصه ها پا به مبارزه گذاشته و به جلو صحنه آمده است و نقشی حیاتی در پیشروی مبارزات امروز و انقلاب فردا دارد. این نسل را

باید سازمان داد. پیچ و خم مبارزه و گرایشات مختلف را به آن نشان داد، آنرا به دیدگاه سیاسی روشن و افق روشنی مجهز کرد تا مبارزه روزمره را به استراتژی سیاسی معینی مرتبط کند. این کمک میکند که به چپ و راست کشیده نشود و با شکست یک اعتصاب و یک مبارزه معین افق و روحیه اش را از دست ندهد. باید در سازماندهی این طیف و مسلح کردن آنها به آگاهی همه جانبه سیاسی و تشکیلاتی باید شتاب بیشتری بخرج بدهیم. باید آماده تر شویم. باید ویژگی های این طیف وسیع در عرصه های مختلف را شناخت، موانع پیش رویش را دقیقتر بررسی کرد، ابزارهای مختلف دسترسی به آنرا سازمان داد و رابطه همه جانبه با آن برقرار کرد. این کلید پیشروی مبارزات کارگری و توده ای و تقویت قطب کمونیسم کارگری در مقابل جنبش های راست و ناسیونالیستی و ملی اسلامی است. این کلید پیشروی حزب برای تبدیل شدن به رهبر انقلابی است که دیر یا زود از راه میرسد.\*

## یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

### سیل بنیان کن و سد شکسته رژیم

"از سیل بنیان کن شبکه‌هایی که بنیان اخلاقی و عفت عمومی خانواده را هدف قرار داده سخت نگرانیم."

رئیس دیوان عالی کشور

"بنیان اخلاقی و عفت عمومی خانواده تنها نام دیگری برای تجاوز شرعی به دختران خردسال و صیغه و تعدد زوجات و کلا رفتار با زنان بعنوان کالای جنسی و ناموس مرد است. هر جا که این بردگی جنسی و فرودستی فاحش زنان به چالش کشیده میشود به حکومت اسلامی احساس ریزش و سرنگونی دست میدهد! امروز این چالش در فضای مجازی و در دنیای واقعی، از جنبش بیحجابی کامل تا رقص و شادی جوانان و انتشار عکسها و ویدئو کلیپهای آن در سایتها و رسانه ها، در حال گسترش است. در برابر این "سیل بنیان کن" نه از

اوباش امنیت فرهنگی حکومت کاری ساخته است و نه از اظهار نگرانی و دلواپسی و هشدارها و خط و نشان کشیدن متحجرین حاکم. رئیس دیوان عالی شان شکوه میکند که "مراجع عالیقدر نظام و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌بایست تدبیر ویژه برای پیشگیری از این سیل «بنیان‌کن» بنمایند که فردا دیر است". و امام جمعه شان تهدید میکند که: "صبر حزب الله مدت دارد و اگر حضرت آقا اشاره ای کنند خواهند دید نشانی از فساد نخواهد ماند!" اما خودشان هم میدانند که دوره این نوع هارت و پورتهای گذشته است. فی الحال دیر شده است. با هیچ سد "تدبیر ویژه" و فتوا و اوباش ساندیس خور حزب اللهی نمیتوان جلوی این "سیل بنیان کن" را گرفت.\*

### منشا آلودگیها جمهوری اسلامی است!

مقامات جمهوری اسلامی اعتراف میکنند که یکی از دلایل افزایش سرطان در کلانشهرها تولید و عرضه بنزین آلوده به مواد سمی و سرطان زا است. طرفداران روحانی دولت احمدی نژاد را مسئول میدانند و اصولگرایان و رسانه های وابسته به آنان وزیر نفت دولت روحانی را زیر ضرب گرفته اند. سایت دو خرداد افشا میکند که "در دوره احمدی نژاد میلیونها لیتر بنزین آلوده به موادی سمی سرطانزا که بر سیستم عصبی، پوست، چشم و سیستم تنفسی اثرات منفی فراوان دارد در کلانشهرها توزیع شده است." و روزنامه کیهان مینویسد "بنزین تولیدی توسط پتروشیمی دردولت قبل آلوده نبود، بنزینی که دراین دولت ازخارج می آید آلوده است."

اینها جنبه هایی از واقعیت هست اما ریشه مساله در جای دیگریست. واقعیت اینست که نه مساله آلودگی هوا که بخصوص در شهرهای بزرگ به يك فاجعه تبدیل شده، به مساله بنزین سمی محدود میشود و نه مسئولیت این فاجعه را میتوان تنها به گردن این یا آن دولت و جناح حکومتی انداخت. آلودگی بیسابقه آب و هوا و تخریب مستمر محیط زیست يك "دستاورد" کل نظام جمهوری اسلامی است که ریشه آنرا باید در اقتصاد مافیائی و رانتخواری و سودآوری های نجومی باندهای حاکم جستجو کرد. قطع بی رویه درختان و تخریب جنگلها، پروژه های سد سازی که بجز پرکردن جیبهای گشاد آقازاده ها نتیجه دیگری نداشته است، کج کردن مسیر

رودخانه ها بمنظور آبرسانی به مراکز پروژه هسته ای، بی ضابطگی در رشته های تولیدی و صنعتی در استفاده از سوختهای فسیلی و دفع زباله ها، از جمله عواملی است که در کنار تولید و توزیع بنزین آلوده به مواد سمی جمهوری اسلامی را در عرصه تخریب و آلوده سازی محیط زیست به مقام شامخی در دنیا رسانده است! آلودگی محیط زیست يك مساله جهانی است اما در ایران علت اصلی این مساله عدم رعایت ابتدائی ترین استانداردها از جانب دولت و سودافزائی نجومی باندهای حکومتی است. عامل اصلی تخریب و آلودگی فاجعه بار محیط زیست در ایران جمهوری اسلامی است.\*

## طرح یارانه ها و بدتر شدن وضعیت کم درآمدها!

مرکز پژوهشهای مجلس در گزارشی که هفته قبل منتشر شد اعلام کرد که به سبب وجود تورم ناشی از حذف یارانه ها، وضع دهک های پائین به نسبت دهک های بالای درآمدی بدتر شده است. در این گزارش آمده است که "با توزیع یارانه نقدی خانوارهای پردرآمد بسیار بیش از خانوارهای کم درآمد از این پرداخت سود برده اند."

در اختلافات و دعوای جناحی این وضعیت را به حساب اشتباه بودن طرح هدفمندی یارانه ها و یا بد اجرا شدن آن میگذارند. اما این عارضه طرح یارانه ها نیست بلکه نتیجه طبیعی آن است. هدف این طرح بر خلاف نام غلط انداز "هدفمند کردن یارانه ها" و تبلیغاتی که حول آن براه انداختند کمک نقدی بیشتر به خانواده های کم درآمد نبود، بلکه حذف سوبسیدهای دولتی و باز گذاشتن دست بازار در تنظیم قیمتها بود. این یکی از اجزای سیاست ریاضت کشی اقتصادی و توصیه بانک جهانی و

صندوق بین المللی پول به همه دولتهای متقاضی وام و اعتبار است و سیاست هدفمند کردن یارانه ها کاملا در راستای این سیاست قرار دارد.

فقر و بیکاری و بی تأمینی اقتصادی از نتایج طبیعی سیاست ریاضت کشی اقتصادی است. اما تورم و فقر و بیکاری که امروز در جامعه ایران بیداد میکند تنها عارضه سیاست یارانه ها نیست، بلکه ناشی از همان عواملی ای است که اجرای طرح یارانه ها را نیز، همانند همه تلاشهای اقتصادی حکومت، به شکست کشانده است. عامل مستقیم فقر و بی تأمینی اقتصادی اکثریت عظیم مردم اقتصاد مافیائی و رانتخواریها و دزدیهای میلیاردی و فساد همه جانبه ای است که سرتاپای رژیم را فرا گرفته است. فاصله عظیم بین فقر و ثروت و بدتر شدن وضعیت دهک های پائینی جامعه يك نتیجه مستقیم این وضعیت است.\*

### تلفن تماس با حزب در خارج کشور

اصغر کریمی، دبیر هیئت اجرایی حزب  
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

فریبرز پویا، دبیر کمیته خارج کشور  
۰۰۴۴۷۸۶۱۰۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران  
شهاب دانشفر، دبیر کمیته سازمانده  
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 ,  
127 02 Skärholmen - Sweden

## توقف حکم اعدام ریحانه جباری و احتمال بررسی مجدد پرونده ما خواهان آزادی فوری ریحانه هستیم! دستگاه قضایی حکومت اسلامی باید از ریحانه و خانواده او معذرت خواهی کند!

کند. امروز دیگر هر عقل سلیمی میدانند که موضوع این پرونده بررسی نشده و فقط خواسته اند آوار یک قتل پر ابهام را بر سر یک دختر جوان خراب کنند.

ما خواهان بررسی مجدد پرونده در اسرع وقت هستیم، در همین زمان و فوراً ما خواهان آزادی ریحانه هستیم. نتیجه دادگاه هر چه که باشد، باید از ریحانه دلجویی شود بدلیل هفت سال زندگی در سایه مرگ، بدلیل شکنجه و اذیت و آزار او و بدلیل دستکاری در پرونده و گوش ندادن به حرفهای او.

ما خواهان آزادی فوری ریحانه جباری هستیم.  
کمپین نجات ریحانه جباری  
۲۵ ماه مه ۲۰۱۴

بی ارزش هستند.  
ریحانه هفت سال در مخوف ترین زندانهای رژیم اسلامی بوده و هفت سال را با کابوس مرگ و اعدام بسر برده و بارها مورد شکنجه و آزار زندانبانها بوده است. او بسیار لطمه دیده و نه فقط او بلکه یک خانواده به همراه او شکنجه دیده و زندگیشان زیر و رو شده است. پس ریحانه باید فوراً از زندان آزاد شود. و همه دست اندرکاران این پرونده باید فوراً از ریحانه و خانواده او معذرت خواهی کنند.

یک سناریو برای حکومت اسلامی ایران این است که پرونده را کش دهد و افکار عمومی را آرام کند و راه حلی برای این اقتضاح قضایی - سیاسی پیدا

گسترده افکار عمومی در ایران و در جهان به سرنوشت ریحانه، اعلام میکنند که ما خواهان آزادی فوری ریحانه جباری هستیم.

ریحانه ۱۹ ساله، هفت سال قبل، اتفاقی وارد یک ماجرا شده است. او در جریان دفاع از خود در مقابل مردی که قصد تجاوز به او را داشته، یک ضربه با چاقو به کتف این مرد زده و فرار کرده است. این کل داستان ریحانه جباری است. و این دختر جوان اکنون بعد از هفت سال، سنگ صبور دهها و دهها زنی است که اعدام شده اند و سینه اش پر از اسرار مخوف یک دستگاه جهنمی است که رحم و مروت و انصاف و عدل و داد در آن کلماتی پوچ و



قضایی حکومت اسلامی را جلوی چشم همه عیان و آشکار کرده است.

اگر دنیا عادی بود و اگر در ایران ذره ای از عدالت رعایت میشد، باید ریحانه فوراً آزاد میشد و باید همه دست اندرکاران و قضات و بازپرس ها و زندانبانان به جرم بی حرمتی و اذیت و آزار یک دختر و بجرم دستکاری در پرونده و متهم کردن قربانی یک دسیسه و یک اقدام به تجاوز، همگی فوراً محاکمه و مجازات میشدند.

اما ایران فعلاً عادی نیست و در آنجا فعلاً همان دستگاه و همان کسانی که به راحتی آب خوردن حکم اعدام صادر میکنند، سر کار هستند. آنها مجبور شده اند برای لاپوشانی کردن یکی از اقتضاحات بسیار آشکار دستگاه قضایی خودشان که یک دختر قربانی را تا پای چوبه دار برده اند، و حکم اعدام را همه مقامات دستگاه قضایی تا رئیس قوه قضاییه امضا کرده اند، یک نیم کلاج گرفته و کمی عقب بروند تا کل داستان را راست و ریس کنند و بیش از این آبروی "نظام اشان" نرود.

کمپین نجات ریحانه جباری با اتکا به امضا ۱۸۲ هزار نفر از سراسر جهان و به پشتوانه توجه

روز شنبه محمد علی جداری فروغی وکیل ریحانه در گفتگو با رسانه های داخل کشور، اعلام کرد:

آخرین مرتبه ای که برای پیگیری پرونده ریحانه به دادرسی امور جنایی تهران رفتم، متوجه شدم فعلاً پرونده از نوبت اجرای حکم خارج شده و قرار است بررسی مجدد بشود. او ادامه داده که این اقدام با درخواست دادستانی انجام شده و قرار است بار دیگر در این باره اظهار نظر شود.

وکیل ریحانه اضافه کرده است که: "بنابراین من به عنوان وکیل مدافع ریحانه به دنبال ارائه درخواست اعاده دادرسی و بررسی مجدد پرونده در دادگاه هستم".

در رسانه های داخل کشور در عین حال از قول وکیل ریحانه اعلام شده است که یک صفحه از پرونده گم شده و باید در این مورد نیز تحقیقاتی انجام بشود.

آنچه که معلوم است، فعلاً حکومت اسلامی ایران بدلیل اعتراضات بسیار گسترده به حکم اعدام ریحانه جوان، مجبور شده یک گام به عقب بردارد. موضوع یک پرونده که توجه میلیونها نفر در ایران و در جهان را بخود جلب کرده، گوشه ای از بی عدالتی محض در سیستم

## یادداشت های هفته

همید تقوایی

### حجاب اسلامی مظهر بردگی زن است!

داده است. ثانیاً حجاب صرفاً نوعی از پوشش نیست بلکه سمبل و مظهر فرودستی و بی حقوقی زن است. از نظر اسلام زن برده جنسی و وسیله تمتع و لذتجویی و "کشترار" مرد است، کالائی متعلق به پدر و برادر و شوهر است، ناموس آنها است و لذا باید از چشم نامحرم (مردانی که صاحب شرعی این کالا نیستند) حفظ شود. حجاب، همانطور که ائمه و قیح و متحجر نماز جمعه در قالب مثلها و مثلهای تهوع آورشان اعلام میکنند، "روکش و بسته بندی" این کالای جنسی است. آزادی و رهائی زن بدون نقد و رد حجاب و کلیه عقاید و اخلاقیات مذهبی و آداب رسوم مردسالارانه ای که حجاب را مظهر "عفت زن" و "غیرت مرد" میدانند ممکن نیست.\*

جنبشی که علیه حجاب شروع شده و دامنه وسیعی پیدا کرده است علیه حجاب اجباری است. دولت به زور انواع نیروهای امنیتی و سرکوبگر حجاب را بر زنان تحمیل کرده است و در مقابل جنبشی برای لغو حجاب اجباری شکل گرفته است. اعتراض علیه حجاب اجباری و بخصوص لغو عملی حجاب یک گام مهم و تعیین کننده در جنبش رهائی زن است اما نقد حجاب و اعتراض علیه حجاب از مساله اجباری یا اختیاری بودن آن فراتر می رود. اولاً حجاب غیر اجباری وجود خارجی ندارد. حتی زنی که حجاب را پذیرفته و تصور میکند به اختیار خود حجاب بر سر کرده است تحت تاثیر و فشار مذهب و اخلاقیات عقب مانده مذهبی و مردسالارانه به حجاب رضایت



## امسال هم صدای اعتراض کارگران ایران در سازمان جهانی کار طنین انداخت



بهنام ابراهیم زاده



شاهرخ زمانی



رسول بداغی



رضا شهابی



جعفر عظیم زاده



عبدالرضا قتبری



واحد سیده



محمد مولانایی



یوسف آب خرابات



محمد جراحی

اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود را بلند کرده بود، مامورین امنیتی آی ال او او را از سالن بیرون بردند. عکس هائی که سیامک زارع از این صحنه ها تهیه کرده است ضمیمه است و فیلم این اعتراض نیز بزودی پخش میشود.

در این حرکت اعتراضی اطلاعیه های کمیته همبستگی درمورد وضعیت تک تک کارگران زندانی و قطعنامه کمیته همبستگی بین المللی کارگری که بر چهار خواست مهم آزادی فوری کارگران زندانی، حمایت از مبارزات کارگران و مردم ایران، اخراج رژیم اسلامی از سازمان جهانی کار و بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی در سطح بین المللی تاکید داشت، در میان تعداد زیادی از شرکت کنندگان حاضر در سالن های مختلف اجلاس پخش شد. این قطعنامه و اطلاعیه همزمان در خارج از محوطه بیرونی کنفرانس توسط پاسکال دکامپ، جمیله میرکی و ناصر کشکولی در میان تعداد زیادی از نمایندگان و کسانی که برای شرکت به کنفرانس آمده بودند، توزیع گردید.

بدین ترتیب امسال نیز ما اجازه ندادیم مزدوران خانه کارگر جمهوری اسلامی بدون اعتراض و افشاگری ما در کنفرانس ظاهر شوند. جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار و همه نهادهای بین المللی اخراج شود و سران این حکومت به جرم سرکوب اعتراضات بحق کارگران، به جرم زندانی کردن رهبران کارگری و به جرم محروم کردن کارگران و اکثر قریب به اتفاق مردم از ساده ترین حقوق خود، در دادگاه های علنی به محاکمه کشیده شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ مه ۲۰۱۴

ضمیمه: چند عکس و فیلمی کوتاه از قسمتی از حضور در آی ال او، قطعنامه و یکی از اطلاعیه هائی که در کنفرانس آی ال او پخش شد:

<https://www.youtube.com/watch?v=UEs8522rsyA&list=UU2aphnTjODK18xqxTmBOMew>

امسال نیز همانند سالهای گذشته هیاتی از سوی حزب کمونیست کارگری ایران و کمیته هیستگکی بین المللی کارگری- ایران در یکی از سالن های کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار (آی ال او) حضور یافت و به حضور جمهوری اسلامی در این اجلاس و زندانی کردن فعالین کارگری در ایران اعتراض کرد.

روز ۲۸ ماه مه در اولین روز این اجلاس هییتی مرکب از نسان نودینیان، سیامک زارع، جمیله میرکی، ناصر کشکولی و پاسکال دکامپ عازم ژنو شدند تا صدای اعتراض کارگران و مردم ایران در سازمان جهانی کار را منعکس کنند. برگزار کنندگان این کنفرانس که سابقه حضور اعتراضی هر ساله ما را دارند، با شدت دادن به تمهیدات امنیتی خود، سعی کردند مانع حضور ما در کنفرانس شوند. علیرغم همه این تلاشها نسان نودینیان و سیامک زارع خود را به درون سالن کنفرانس رساندند و با شعارها و صحبت ها و پلاکاردهای خود به افشای جمهوری اسلامی پرداختند و علیه زندانی کردن رهبران کارگری و به حضور مزدوران جمهوری اسلامی در کنفرانس اعتراض کردند.

ساعت دو بعدازظهر بیش از صد نفر از نمایندگان سازمان جهانی کار در محل تجمع ورود به سالن اجلاس آسیائی کنفرانس متوجه شعاردادن و پلاکاردهائی شدند که در دست نسان نودینیان بود. شعارهای نسان نودینیان علیه حضور جنایتکاران جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار و در حالیکه عکس جعفر عظیم زاده از رهبران کارگری را در دست داشت توجه نمایندگان را به خود جلب کرد. با صحبتهای نسان نودینیان سکوت بر نمایندگان حاکم شد و با دیدن عکس یکی از رهبران کارگری زندانی همبستگی شان را نشان دادند. او از حضار در سالن خواست که از کارگران زندانی و مبارزات کارگران در ایران حمایت کنند. او توضیح داد که جمهوری اسلامی رهبران واقعی کارگران را زندانی کرده و اینها که در اینجا حضور دارند از سرکوبگران کارگران و مردم هستند. از جعفر عظیم زاده بعنوان رهبر اتحادیه آزاد کارگران ایران و سازمانده طومار اعتراضی ۴۰ هزار کارگر بر سر خواست افزایش دستمزدها و اینکه جمهوری اسلامی او را در انفرادی اوین زندانی کرده و برای انحلال اتحادیه آزاد کارگران ایران تحت فشار گذاشته است، صحبت کرد و خواهان حمایت بین المللی از وی و همه کارگران زندانی شد. بعد از این سخنان در حالیکه نسان نودینیان پلاکاردی که روی آن نوشته شده بود جمهوری

## زنده باد مجمع عمومی کارگران کارگران پروفیل ساوه راه نشان میدهند

کارگران همین کارخانه که طی ۷ سال اخیر اخراج شده بودند و حدود ۲۰ نفر از کارگران کارخانه نورد لوله صفا برای اعلام حمایت از کارگران پروفیل ساوه در این تجمع حضور یافتند.

کارگران پروفیل ساوه نمونه ای از یک مبارزه متحد و مصمم را به میلیون ها کارگری که در شرایط مشابه به سر میبرند ارائه دادند. کارگران نه فریب ارگان های مختلف حکومتی را خوردند و نه در مقابل تهدیدات و قلدری کارفرما کوتاه آمدند. کارگران مجمع عمومی تشکیل دادند و متحدانه تصمیم گرفتند. حمایت کارگران نورد لوله صفا و کارگران بازنشسته و کارگران اخراجی و همچنین همکاران دفتری و اداری کارخانه را پشتیبان میسر کرد. کارگران اعتصابی پروفیل ساوه شد.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از خواست ها و مبارزه کارگران پروفیل ساوه و نورد لوله صفا پشتیبانی میکند و کلیه مردم شریف ساوه، کارگران کلیه مراکز کارگری، بازنشستگان و بویژه اعضای خانواده های کارگران را فرامیخواند با تمام قوا از کارگران این دو کارخانه حمایت کنند. این یک سنگر مهم اعتراض حق طلبانه است که باید به پیروزی کامل برسد و حمایت مردم شهر از کارگران اعتصابی عامل مهمی در پیروزی کارگران خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ خرداد ۱۳۹۳، ۲۷ مه ۲۰۱۴

طبق گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز دوشنبه سه نفر از مقامات جمهوری اسلامی در شهر ساوه یعنی مسئول کمیسیون فرمانداری، معاونت روابط کار اداره کار ساوه و دبیر شورای تامین شهر ساوه در جمع کارگران حاضر شدند و از طرف رستمی صفا مالک کارخانه اعلام کردند به شرط اینکه کارگران دستگاه ها را روشن کنند کارفرما حاضر است یک ماه حقوق کارگران را بپردازد. مقامات رژیم به کارخانه آمده بودند تا کارگران را به تسلیم بکشانند اما خشم کارگران را برانگیختند. شرط گذاری و پیام وقیحانه رستمی با اعتراض شدید کارگران مواجه شد. کارگران مجمع عمومی خود را تشکیل دادند و اعلام کردند که در صورتی به اعتصاب پایان میدهند که حداقل حقوق بهمن ماه و عیدی و پاداش سال ۹۲ به حسابشان واریز شود و برای مابقی مطالباتشان هر بیست روز یکبار، یک ماه از حقوقهای معوقه آنها پرداخت شود. کارگران تصمیم گرفتند که از صبح چهارشنبه اعتصاب خود را تا حصول نتیجه ادامه دهند. طبق این گزارش دفترچه های درمانی تامین اجتماعی کارگران تمديد اعتبار شد و ناهار کارگران که از روز گذشته توسط کارفرما قطع شده بود برقرار گردید.

لازم به توضیح است که تجمع کارگران در مقابل فرمانداری در ساعات طولانی روز شنبه بازتاب گسترده ای در شهر ساوه یافت و علاوه بر کارگران شاغل کارخانه، جمعی از بازنشستگان و تعدادی از

کارگران نورد پروفیل ساوه متحد و یکپارچه سومین روز اعتصاب را پشت سر گذاشتند و در مقابل قلدری کارفرما که با حمایت کلیه ارگان های حکومت همراه است، بر تداوم قاطعانه اعتصاب و اعتراض پافشاری کردند.

کارگران در روز شنبه سوم خرداد پس از راهپیمائی ۳ کیلومتری در مقابل فرمانداری تجمع کردند، مقامات مختلف شهر را به تجمع خود کشاندند و عزم مصمم خود را اعلام کردند. کارگران ساعت ۱۰ شب و تنها موقعی که رئیس اداره کار، رئیس سازمان تامین اجتماعی، دبیر شورای تامین شهر و فرمانده نیروی انتظامی در جمع کارگران حضور یافته و قول دادند که فرماندار روز یکشنبه در جمع کارگران در کارخانه حاضر شود و تضمین روشنی به کارگران بدهد در مجمع عمومی خود تصمیم گرفتند به تجمع پایان دهند اما اعلام کردند دست از اعتصاب بر نخواهند داشت. کارگران علاوه بر ادامه اعتصاب از ورود و خروج کامیونهای حمل بار جلوگیری کردند و اجازه ندادند که هیچ دستگاهی در کارخانه روشن شود. کارگران ۵ ماه حقوق معوقه و پاداش و عیدی سال ۹۲ را طلب دارند و خواهان پرداخت فوری کلیه این معوقات هستند. کارگران همچنین خواهان حل مشکل دفترچه های بیمه و بازنشستگی ۲۰۰ کارگری هستند که مشمول طرح مشاغل سخت و زیان آور هستند.

### به کارگران کارخانه نورد پروفیل ساوه

## بازگرداندن نماینده دلسوزتان شاپور احسانی راد را به خواست هایتان اضافه کنید

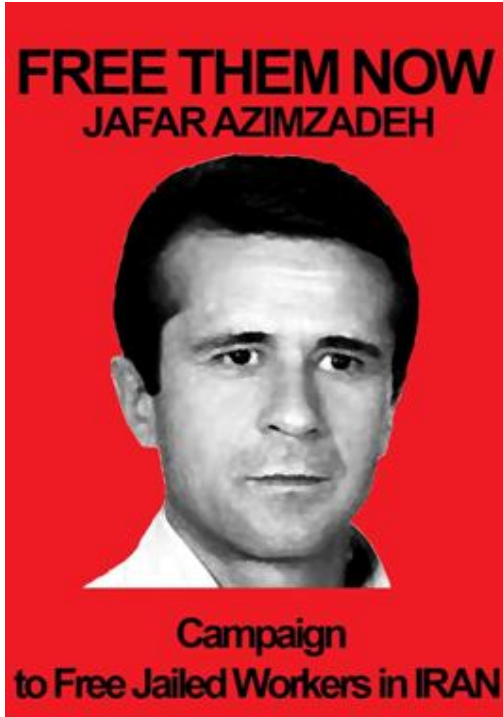


شما باید احساس کنید که ۱۲۰۰ کارگر کارخانه قاطع و استوار در کنار آنها هستند و جلو هر نوع دست درازی به آنها و اخراج آنها را میگیرند.  
اصغر کریمی  
۱۰ خرداد ۱۳۹۳

شما غایب بود. و آن خواست بازگرداندن کارگران اخراجی و مخصوصا نماینده شما شاپور احسانی راد است. در مقابل مقامات که از شما خواستند نماینده های خود را انتخاب کنید تا با آنها مذاکره کنند مطرح کردید که اینکار را نمیکنید چون قبلا نمایندگان را اخراج کرده اند و شاپور احسانی راد را بعنوان سخنگوی خود به جلو صف خود فرستادید تا از خواست های شما دفاع کند. اما شما میتوانستید و میتوانید خواست بازگرداندن فوری شاپور و سایر همکاران اخراجی تان را به خواست های خود اضافه کنید و محکم بر آن پافشاری کنید. دفاع از نمایندگان واقعی کارگران یک موضوع حیاتی هر اعتراضی است. نمایندگان

مبارزه مصممانه، متحدانه و هوشیارانه شما و خشم و انزجارتان علیه دم و دستگاه کارفرما و ارگان های حکومتی، نه تنها در میان مردم ساوه بلکه در مراکز کارگری در نقاط مختلف کشور با شادی و شغف زیادی دنبال میشود. در این مبارزه ضعف و ناتوانی ارگان های حکومت را نیز بخوبی شاهد بودید. دیدید که چگونه مبارزه حق طلبانه شما زمانی که با اتحاد مستحکم شما در کارخانه و در میان کارگران بازنشسته و اخراجی و با جسارت و عزم راسختان همراه میشود، چگونه دشمنانتان را ناتوان می کند و به لکتت زبان می اندازد. چگونه آنها را از اینکه متحد شوند و به جان شما بیفتند ناتوان میکند. اما یک چیز در مبارزه

## با کارزاری جهانی جعفر عظیم زاده و اتحادیه آزاد کارگران ایران را در پوشش حمایت وسیع خود قرار دهیم



اعتراض جعفر عظیم زاده و همه کارگران زندانی باشیم.

۵ خرداد ۱۳۹۳، ۲۶ مه ۲۰۱۴

Shahla\_daneshfar@yahoo.com  
Bahram.Soroush@gmail.com  
<http://free-them-now.blogspot.com>

### اطلاعیه شماره ۱۹۱

گزارش سایت اتحاد از آخرین ملاقاتی که جعفر عظیم زاده از رهبران شناخته شده کارگری در پنجشنبه ۱ خرداد با خانواده اش داشته است، از فشار جمهوری اسلامی بر روی وی برای اعلام انحلال اتحادیه آزاد کارگران ایران حکایت دارد. با تمام قوا از جعفر عظیم زاده سخنگوی هیات مدیره این اتحادیه و از هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا بر سرخواست افزایش دستمزد ها حمایت کنیم. جعفر عظیم زاده یک روز قبل از اول مه روز جهانی کارگر بازداشت شد و هم اکنون در بند ۲۰۹ اوین زیر چنین فشاری قرار دارد. فشار بر جعفر عظیم زاده بطور مستقیم تلاش حکومت اسلامی برای عقب راندن طبقه کارگر از سنگرهایی است که تاکنون بدست آورده است. این تلاش را میتوانیم و باید به شکست بکشانیم. فشار رژیم اسلامی بر روی جعفر عظیم زاده تلاش برای متوقف کردن فعالیت تشکلی است که در ارتباط وسیعش با کارگران یک مرجع مهم خبری کارگری است. فشار رژیم اسلامی بر روی جعفر عظیم زاده فشار بر روی تشکلی است که روز جهانی کارگر کل کارگران را به اعتراض در این روز و مبارزه برای خواست برحق خود، خواست افزایش دستمزدها، فرامیخواند. حکومت کثیف اسلامی به تقلا افتاده است که بلکه یک سنگر کارگری مثل اتحادیه آزاد کارگران را که نقش مهمی در پیشاپیش اعتراضات کارگری از جمله اعتراض ۴۰ هزار نفر کارگر بر سر دستمزد داشته است را تعطیل کند. و ما به همراه کارگران و مردم شریف جهان

این تلاش را به شکست خواهیم کشاند. در شرایطی که گرانی و دستمزدهای ۶۰۷ هزار تومانی چند بار زیر خط فقر، محورهای مهم اعتراض کارگران و کل جامعه است، دفاع از جعفر عظیم زاده دفاع از خواست نه تنها ۴۰ هزار کارگر امضا کننده طومار بر سرخواست افزایش دستمزدها بلکه دفاع از خواست همه مردم است. همچنین دفاع از جعفر عظیم زاده دفاع از حق تشکل و تجمع و گرامیداشت اول مه روز جهانی کارگر است.

از همین رو حمایت از جعفر عظیم زاده، زمینه های وسیع اجتماعی دارد. در همین مدت نیز حمایت های وسیع از وی و از دیگر رهبران اتحادیه آزاد کارگران ایران از جمله جمیل محمدی و پروین محمدی که قبلا در بازداشت رژیم قرار داشتند و از زندان آزاد شدند، نشانگر همین حقیقت است. این حمایت و پشتیبانی را باید گسترده تر کرد.

با کارزاری جهانی و با اعتراضی گسترده در مقابل فشارهای رژیم اسلامی بر روی جعفر عظیم زاده و دیگر رهبران کارگری که هم اکنون در زندانند بایستیم و خواستار آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان شویم. وسیعا به تشکلی چون اتحادیه آزاد بپیونددیم و با این اقدام خود جلوی توطئه رژیم اسلامی را برای به انحلال کشاندن این تشکل کارگری را بگیریم. انتظار می رود که ۴۰ هزار کارگری که طومارهای اعتراضی بر سرخواست افزایش دستمزدها را امضا کرده اند، همچنان در پیشاپیش چنین کارزاری باشند.

در سطح جهانی تلاش کنیم که صدای

## کارگران شهرداری بهبهان یک هفته است در اعتصابند

به اتحاد و یکپارچگی برای تحقق خواست هایشان فرامیخواند. حزب همه مردم بهبهان و شهرهای مختلف را به حمایت قاطع از خواست کارگران شهرداری ها فرامیخواند. مردم شهرها در تماس نزدیکی با این بخش کارگران قرار دارند و شایسته است که بیشترین حمایت را از مبارزه آنها بعمل آورند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ خرداد ۱۳۹۳

۲۸ مه ۲۰۱۴

شهرداری اهواز و شوشتر و برخی دیگر از شهرهای خوزستان و همینطور استانهای دیگر کشور با مشکلات مشابهی از نپرداختن دستمزد و اخراج و مشکلات بیمه و بازنشستگی مواجهند و در اعتراض به این وضعیت بارها دست به اعتراض زده اند.

کارگران بخش خدمات شهرداری ها کار شاقی دارند، در محیطی غیر بهداشتی کار میکنند و بشیوه وحشیانه ای استثمار میشوند و مورد اجحافات گوناگون قرار میگیرند.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از خواست بحق کارگران شهرداری بهبهان و کارگران شهرداری در سراسر کشور دفاع میکند و آنها را

طبق گزارشی که به حزب رسیده است، کارگران خدمات شهرداری بهبهان از هفته قبل دست به اعتصاب زده و خواهان پرداخت فوری حقوق های معوقه خود میباشند.

طبق این گزارش کارگران شهرداری بهبهان در هفته های گذشته نیز دست به اعتصاب زده و در مقابل شهرداری این شهر دست به تجمع زدند و مسئولین شهرداری با حضور در تجمع آنها قول رسیدگی به خواست کارگران را دادند اما از پیگیری خواست آنها سر باز زدند و کارگران بار دیگر از هفته قبل اعتصاب را شروع کردند. با اعتصاب کارگران شهرداری زیاله ها همه جا را گرفته است. لازم به توضیح است که کارگران

## یک هفته در دفاع از کارگران و زندانیان سیاسی ۲۸ مه تا ۶ ژوئن

زندان و زندانی به یکی از مهمترین رودروئی جامعه ایران در تقابل با جمهوری اسلامی تبدیل شده است. رژیم اسلامی، رژیم اقلیت فاسد، در برابر هر اعتراض به حق مردم و کارگران ایران به آخرین ابزار خود که همان بسیج اوباشان، زندان و شکنجه است دست میبرد.

پاسخ کوبنده خانواده زندانیان و مخالفین رژیم به حمله به زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ علیه خود حکومت تبدیل شد. و تلاش حکومت برای جلوگیری از برپایی روز جهانی کارگر، ترس حکومت را از این رودروئی علنی با جنبش کارگری به نمایش گذاشت و ناتوانائی دستگاه سرکوب را در مهار اعتراضات بیشتر عیان کرد.

هر تلاش حکومت برای استفاده از زندان و شکنجه باید به ضد آن تبدیل شود و تلاش ما در خارج از ایران برای پشتیبانی و بیرون آوردن کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی از سياهچال های حکومت باید دو چندان شود. حمله به بند ۳۵۰ اوین زبونی و شکنندگی حکومت برای مردم بیشتر عیان شد. این حاصل مقاومت شجاعانه زندانیان، مبارزه مستمر خانواده هایشان و اعتراض جهانی بود.

اعتراض جهانی و متحد و یکپارچه ما در خارج کشور تاثیرگذارتر از همیشه است. جا دارد که اجتماعات همبسته ما با جلب حمایت سازمانهای کارگری و مدافع حقوق انسان در جهان آبروی جمهوری اسلامی را برسر در دولت های دنیا بکوند تا جرات نکنند که با حکومت دیکتاتوری اسلامی در ایران مامشات کنند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری کلبه ایرانیان مقیم خارج و کلبه احزاب و سازمانهای اپوزیسیون را فرامیخواند که با پشتیبانی از يك هفته کمپین سراسری از تاریخ ۲۸ می تا ۶ ژوئن فعالیت خود را با

همکاری و همبستگی برای آزادی کارگران دستگیر شده و در دفاع از زندانیان سیاسی و برای آزادی فوری آنها تشدید کنند و هر جا که حضور دارند به میدان بیایند. کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و عقیدتی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۶ مه ۲۰۱۴

### گوتنبرگ: در دفاع از کارگران زندانی

حکومت اسلامی شکننده تر از همیشه جنایت و سببیت علیه جامعه و به خصوص زندانیان سیاسی و کارگران زندانی را افزایش داده است. بعد از حمله به بند ۳۵۰ و ضرب و شتم زندانیان سیاسی فشار رژیم بر کارگران زندانی و خانواده هایشان چند برابر از قبل شده است. بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و حقوق کودک را به سلول انفرادی بردند و حالا خانواده و دوستان او هیچ خبری از او ندارند و بسیار نگران وضعیت او هستند.

زطرفی اعتراضات خانواده

های زندانیان سیاسی و همینطور مبارزات گسترده و متحدانه مردم آزادیخواه در خارج از ایران عقب نشینی های زیادی را به رژیم تحمیل کرده است از همین روی لازم است مبارزه متشکل و متحد علیه رژیم در خارج از ایران را هرچه گسترده تر کنیم.

در اعتراض به زندانی کردن سرکوب کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در گوتنبرگ تظاهرات هایی بر گزار میکنیم و از همه شما مردم آزادیخواه دعوت می کنیم در این تظاهرات ها شرکت کنید.

زمان:  
شنبه ۳۱ مه ۲۰۱۴ ساعت ۱۶ برونز پارکن  
دوشنبه ۱ جولای ۲۰۱۴ ساعت ۱۷ برونز پارکن  
برای اطلاعات بیشتر با تلفن ۰۷۳۶۴۸۵۱۱۷ تماس بگیرید  
حزب کمونیست کارگری ایران - گوتنبرگ  
۲۸ مه ۲۰۱۴

### اسلو:

تظاهرات روز شنبه در اسلو ساعت ۱۳ جلو سفارت رژیم

جانینان و دزدان اسلامی شروع میشود و ساعت ۱۴ با راهپیمایی به طرف وزارت خارجه نروژ ادامه می یابد. و با تجمع و سخنرانیهای کوتاه در جلو وزارت خارجه خاتمه مییابد.

### فرانکفورت:

روز جمعه ۳۰ مه دانشگاه فرانکفورت از ساعت ۱۲ تا ۱۴ روز شنبه ۳۱ مه در مرکز شهر فرانکفورت از ساعت ۱۶ تا ۱۸  
Hauptwache  
روز چهارشنبه ۴ یونی در مقابل ساختمان اتحادیه های کارگری از ساعت ۱۳ تا ۱۵  
DGB Haus

### لندن:

آکسیون در شهر لندن، روز شنبه ۳۱ می، ساعت ۳ تا ۴،۳۰ روبروی نشنال گالری

### کلن:

فراخوان به تظاهرات در شهر کلن آلمان / کارزار پشتیبانی از کارگران ایبران جمهوری اسلامی با حاکم کردن قوانین ضد کارگری بر زندگی و معیشت کارگران هر روز فشار

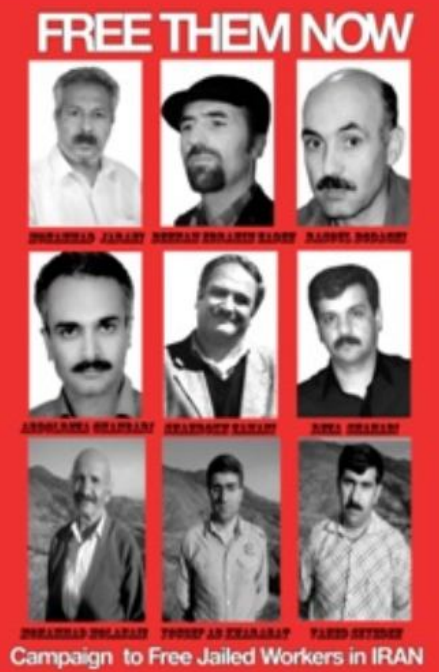
بیشتری را بر اکثریت مردم ایران تحمیل می کند. هم اکنون تعداد زیادی از کارگران و فعالین کارگری زندانی هستند و جعفر عظیم زاده رئیس هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران زیر فشار قرار گرفته که اتحادیه آزاد کارگران را منحل اعلام کند. برای کم کردن این فشارها و آزادی کارگران زندانی در صفی متحد اعتراض کنیم. ما از تمامی آزادی خواهان در شهر کلن آلمان دعوت می کنیم هم صدا باهم علیه سیاستهای ضد کارگر جمهوری اسلامی اعتراض نمائیم و صدای کارگران ایران در خارج از کشور باشیم

آکسیون در شهر کلن آلمان  
روز شنبه ۳۱ می روبروی کلیسای دم ساعت ۴ تا ۵ عصر

کارزار پشتیبانی از کارگران ایران  
karzarpki@gmail.com

یک هفته در دفاع از کارگران و زندانیان سیاسی ۲۸ مه تا ۶ ژوئن

Free jailed workers!  
Free jailed workers!



## دستگیری و محاکمه نوجوان ۱۵ ساله در کردستان عراق به دلیل انتقاد از مذهب و اسلام



شورای مرکزی اکس مسلم در آلمان، محاکمه نوجوان ۱۵ ساله در اربیل را بشدت محکوم کرده و از دولت محلی در کردستان عراق میخواید فوراً به این رفتار مشتمن کننده پایان دهد!

طبق تماسی که احمد شیروان با ما گرفت، از سازمان اکس مسلم و نهادهای منتقد مذهب در آلمان، درخواست کمک کرده است. او در تماس تلفنی با مینا احدی مسئول نهاد اکس مسلم در آلمان گفت: پدرش به دلیل نقد مذهب اسلام و بی دینی، از او شکایت کرده است. او در تاریخ ۲۳ اکتبر ۲۰۱۳ بدنبال شکایت پدرش از او فوراً توسط نیروهای پلیس (آسایش) در اربیل دستگیر میشود و به زندان منتقل شده و در آنجا مورد اذیت و آزار و شکنجه قرار میگیرد. بعد از آزادی از زندان، در ماه

نوامبر ۲۰۱۳ او بلافاصله با ما تماس گرفت و تقاضای کمک کرد. احمد به ما میگوید که او را بشدت کتک زده و تهدید کرده اند اگر به نوشتن مطالب انتقادی اش ادامه دهد، او را بیش از پیش شکنجه خواهند کرد. احمد بارها تهدید به مرگ شده است. احمد شیروان در دبیرستان درس میخواند و اکنون کلاس نهم است او در فیسبوکش به نقد مذهب و اسلام میپردازد و اکنون نیز میگوید از مذهب اسلام خارج شده و اعتقادی به این خرافات ندارد.

این نوجوان پانزده ساله قرار است روز اول ژوئن به اتهام "بی دینی" محاکمه شود. در کردستان عراق سازمانها و نهادهای متعددی به این رفتار دولت محلی در کردستان عراق بشدت اعتراض کرده اند. نهاد اکس مسلم از همه سازمانهای آنتیست و منتقدین مذهب در سراسر جهان دعوت میکند به این رفتار دولت محلی در کردستان عراق اعتراض کنند. احمد نوجوانی ۱۵ ساله است و هیچ گروه و سازمان دولتی اجازه ندارد او را به دلیل نظر و نقدش، دستگیر و یا شکنجه

کند. این رفتار بیشزمانه از طرف دولت محلی کردستان عراق باید فوراً متوقف شود. ما خواهان لغو دادگاه رسیدگی به اتهام علیه احمد در روز اول ژوئن بوده و مسئولیت هر اتفاقی برای احمد شیروان را متوجه دولت محلی در کردستان عراق میدانیم. سازمان اکس مسلم - آلمان ۲۶ ماه مه ۲۰۱۴

### دعوت از سفیر رژیم در آلمان باید پس گرفته شود.

### مماشات دولت آلمان با جمهوری اسلامی محکوم است!

حزب کمونیست کارگری حزب  
کسانی است که میخواهند جامعه و  
دنیای بهتری بسازند!

حزب کسانی که حاکمیت یک اقلیت  
مفتخور و بی خاصیت یعنی طبقه  
سرمایه دار را غیر عادلانه و ضد  
انسانی میدانند!

این حزب حزب کارگران و مردمی  
است که مصممند به دیکتاتوری و  
بهره کشی سرمایه داران از تولید  
کنندگان ثروتهای اجتماعی برای  
همیشه پایان دهند. حزب انقلاب  
انسانی برای جامعه ای برابر و  
انسانی!

به حزب کمونیست کارگری  
پیوندید!

سفارتخانه جمهوری اسلامی در آلمان باید بسته شود و نمایندگانش اخراج شوند.

کمیته آلمان حزب کمونیست کارگری مخالفان جمهوری اسلامی را فرا می میخواند به هر طریقی که میتوانند به این دعوت اعتراض کرده و خواهان لغو نشست مقامات دولت آلمان با نماینده جمهوری اسلامی بشوند. ما اعلام می کنیم همانطور که مانع نشست قبلی سفیر رژیم با مقامات اطاق بازرگانی شدیم و مجبور شدند کنسلش کنند در مقابل این برنامه نیز با تمام قوا خواهیم ایستاد. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران -

آلمان

۳۰ مه ۲۰۱۴

هنوز يك هفته از لغونشست اطاق بازرگانی فرانکفورت آلمان با شیخ عطار سفیر جمهوری اسلامی گذشته است، که يك موسسه آلمانی به نام "ارزش های پایه ای و تفاهم ملتها" دوباره از شیخ عطار دعوت کرده است تا این بار در "خلوت خودی های" مقامات دولت آلمان و نمایندگان پارلمان این کشور، با این جنایتکار به بحث و گفتگو بنشینند. مارکوس پوتسل مسئول بخش خاورمیانه وزارت خارجه دولت آلمان قرار است با شیخ عطار درباره برنامه هسته ای جمهوری اسلامی و گسترش و تحکیم روابط به گفتگو بپردازند.

دعوت از جنایتکاری چون شیخ عطار محکوم بوده و باید پس گرفته شود. شیخ عطار نماینده دولت روحانی است که از زمان ریاست جمهوری اش بیش از ۵۰۰ نفر را اعدام کرده است. تعداد زیادی را به بهانه واهی دستگیر و زندانی کرده است. نشست و برخاست با نمایندگان حکومت صد هزار اعدام مورد تنفر و انزجار مردم ایران است.

هر گونه نشست و برخاست و مماشات دولت آلمان با سرکوبگران مردم ایران محکوم است. جای شیخ عطار نه در تریبون، که در دادگاه است. شیخ عطار به همراه دولت روحانی و همه سران و مقامات بلند پایه رژیم باید دستگیر و به اتهام دست داشتن در کشتار هزاران نفر محاکمه شوند.

## به کمک مالی شما نیاز داریم! کمپین دوماهه برای تامین ۱۰۰ هزار دلار

بختک جمهوری اسلامی و صرف تلاش برای سازمان یافتن مردم برای رهائی از این جهنم میشود. بعنوان فعال این کمپین قدم به میدان بگذارید و از همه دوستان و آشنایان و از همه انسانهای شریف بخواهید که به حزب کمونیست کارگری و کانال جدید کمک مالی کنند. امیدواریم با مشارکت فعال شما حداقل صد هزار دلار در دو ماه آینده جمع آوری کنیم و فعالیت هایمان را گسترش دهیم.

کمک های خود را میتوانید از طریق از طریق حسابهای بانکی زیر پرداخت کنید. اسامی و میزان کمک ها بطور علنی اعلام خواهد گردید.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۹ مه ۲۰۱۴، ۸ خرداد ۱۳۹۳  
۸ خرداد ۱۳۹۳

مبرم دارند تا صفوف خود را متحدتر و مستحکم تر کنند و به کانال جدید نیاز دارند تا صدای اعتراض خود را هر چه رساتر منعکس کنند. کارگران و زنان و جوانان، زندانیان سیاسی و خانواده هایشان، محکومین به اعدام و خانواده هایشان و در یک کلام بیش از ۷۰ میلیون مردم شریف و زحمتکش به این حزب و کانال نیاز دارند تا روشن تر و امیدوارتر مبارزه برای احقاق حقوق خود را گسترش بدهند. ما مصممیم که فعالیت های خود را گسترش دهیم و به این منظور به کمک مالی شما نیازمندیم. از شما دعوت میکنیم که فعالانه در این کمپین شرکت کنید.

هر یک دلار کمک مالی شما صرف مبارزه برای نجات انسانها، مبارزه برای کنار زدن

به منظور تامین هزینه های کانال جدید و گسترش فعالیت های حزب کمونیست کارگری کمپینی دو ماهه از اول ماه جون تا آخر جولای اعلام میکنیم و از همه دوستداران حزب و کانال جدید و کلیه آزادیخواهان و مخالفان جمهوری اسلامی تقاضا میکنیم در این کمپین ما را یاری بدهند.

نقش حزب کمونیست کارگری و کانال جدید برای میلیون ها نفر از مردم شناخته شده است. در عرصه های مختلف مبارزه و هرجا ظلم و سرکوبی هست حزب کمونیست کارگری هم فعالانه حضور دارد و در صف اول مبارزه علیه جمهوری اسلامی و علیه بیحقوقی ها و محرومیت های مردم ایستاده است. مردم ایران به حزب کمونیست کارگری نیاز

## اطلاعیه درمورد پیوستن هشت نفر از فعالین کمونیسم کارگری به حزب

زمینه و عرصه ای را امر خود قرار داده اند. بی شک با پیوستن این رفقا به حزب توان و امکان بیشتری برای پیشبرد هر چه گسترده تر این فعالیتها خواهیم یافت.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۸ مه ۲۰۱۴

حزب ما ظرف و ابزار اتحاد و مبارزه همه فعالینی است که پراتیک انقلابی برای پیشبرد اهداف برنامه یک دنیای بهتر و دخالتهای فعال کمونیستی در تحولات سیاسی و اعتراضات اجتماعی را اساس و محور کمونیسم کارگری میدانند و فعالیت علیه مصائب و نابرابریها و بیحقوقی ها در هر

اخیرا هشت نفر از فعالین کمونیسم کارگری (رفقا محمود احمدی، نیما ارزنگ، مجید پستچی، علی جوادی، نوشین قادری، سیروان قادری، نسرين رضمانعلی و سعید مدانلو) که اکثرا از کادرهای قدیمی حزب بوده و در سال ۲۰۰۷ از حزب جدا شده بودند، با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرده اند که به حزب کمونیست کارگری می پیوندند. ما از این تصمیم استقبال میکنیم و به این رفقا صمیمانه خوشامد میگوئیم. معیار ما در برخورد به رفقای که بدلیل مختلف از حزب جدا شده اند نه اختلاف نظرات و مباحث و جدلهای گذشته بلکه مواضع و عملکرد امروز آنها است.

### انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

### شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:

Sweden

Post Giro: 639 60 60-3

account holder: IKK

آلمان:

Germany

Rosa Mai

Konto. Nr.:5836575

Bankleitzahl: 37010050

Post Bank

کانادا:

Canada

ICRC

Scotiabank

4900Dixie Rd, Mississauga

L4W 2R1

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK

Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G street Blaine, Wa 98230

phone# 1-360-332-5711

Masoud Azarnoush

Account number : 41581083

checking (99)

wire: ABA routing #026009593

swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر

کشور دیگر:

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981

BIC: NWBK GB 2L

هر سؤالی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس

بگیرید:

سیامک بهاری: 0046739868051

markazi.wpi@gmail.com